از ضرب یضرب اضرب و از منع یمنع
امنع و از فتح یفتح افتح و از علم یعلم اعلم
و از استغفر یستغفر استغفر اگر بضم باشد
همزه وصل بضم در اول او در آرند چون اکتب
یکتب اکتب و از کرم یکرم اکرم

فصل

امر حاضر بنون تقیله چون اضربن اقتلان آ
افعلن افعلان آن افعلن ان

فصل

امر حاضر بنون خفیفه چون اضربن افعلن
فصل بدانکه نهی بر دو گونه است نهی غایب و نهی
حاضر و هر دو را از فعل مستقبل بنا کنند چون خواهی
که نهی غایب را بنا کنی بلا را در اول او در آر و آخر فعل را
بجزم کن و نهی غایب شش کلمه است چون لا یفعل

لا یفعلا لا یفعلوا لا تفعل لا تفعلا لا تفعلوا لا تفعلی
لا تفعلان آن لا یفعلن لا تفعلان لا تفعلن
فصل نهی غایب بنون ثقیله چون لا یفعلن
لا یفعلان آن لا یفعلن لا تفعلان لا تفعلن
فصل نهی غایب بنون خفیفه
چون لا یفعلن لا یفعلن لا تفعلن مفصل
نهی حاضر معروف نیز بر شش لفظ است چون لا تفعل

لا تفعلا لا تفعلوا لا تفعلی لا تفعلا لا تفعلوا
لا تفعلی لا تفعلن آن لا تفعلن لا تفعلن
فصل نهی حاضر بنون ثقیله چون لا تفعلن
لا تفعلان آن لا تفعلن لا تفعلان لا تفعلن
فصل نهی حاضر بنون خفیفه
چون لا تفعلن لا تفعلن لا تفعلن مفصل
اسم فاعل در دو گونه است مذکر و مونث چون